

پیشنهادی بر جای نام‌شناسی محدوده زَبشلی در دوره ایلام بر اساس داده‌های باستان‌شناختی و کتیبه‌های میان‌رودانی

محمداسماعیل اسمعیلی جلودار*

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران

علی اعراب

دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تهران

(از ص ۱ تا ۲۰)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۰۹/۰۹؛ تاریخ پذیرش قطعی: ۹۵/۱۲/۰۱

چکیده

تاکنون درخصوص مکان‌یابی بسیاری از مناطق ایلامی نظراتی مطرح شده، اما به مناطقی همچون زَبشلی کمتر توجه شده است. از ویژگی‌های این منطقه در کتیبه‌های بین‌النهرینی، وجود معادن فلزی در آن است. مطالعه پراکندگی معادن فلزی در ایران نشان می‌دهد که در مراکز ایلامی در فارس و خوزستان، هیچ‌گونه معدن فلزی وجود ندارد. اما مناطق شمالی این مراکز از نقاطی هستند که دارای معادن فلزی هستند، بنابراین، مطالعه نواحی پیرامونی مراکز ایلامی ضروری است. یکی از این مناطق، محدوده جغرافیایی استان اصفهان است؛ نویافته‌های باستان‌شناختی جدید انجام شده در شهرسبا (ریگ‌سرای ورزنه)، عسگران در استان اصفهان و نیز شهرستان اردل در استان چهارمحال و بختیاری، وجود محوطه‌های ایلامی را نشان داد. در این مقاله، با تحلیل و تلفیق داده‌های باستان‌شناسی و مطالعه کتیبه‌های میان‌رودانی، به مکان‌گزینی محدوده جغرافیایی زَبشلی پرداخته شده و محدوده جغرافیایی آن پیشنهاد شده است.

واژه‌های کلیدی: زَبشلی، استان اصفهان، استان چهارمحال و بختیاری، میان‌رودان، ایلام

* رایانامه نویسنده مسئول: jelodar@ut.ac.ir

۱. مقدمه

یکی از راهبردهای مطالعاتی در دوره ایلام، ارزیابی آگاهی‌های ارائه شده در کتیبه‌های به‌جای‌مانده از این دوره در کنار داده‌های باستان‌شناختی برای جای‌نام‌شناسی مکان‌های کهن در دوره ایلامی است. با توجه به ارتباط فراوان بین ایلام و میان‌رودان، منابع نوشتاری میان‌رودانی اطلاعات بسیار ارزشمندی در خصوص جای‌نام‌های ایلامی در اختیار ما قرار می‌دهند. تاکنون، بر روی جای‌نام‌های ایلامی مطالعاتی صورت گرفته است (Carter, Notes on Archaeology and the social and economy history of Susiana, pp. 43-48; Vallat, *Eléments de géographie élamite*, pp. 49-54; Steinkeller, *New light on Šimaški and its rulers*, pp. 215-232). اما کمتر این جای‌نام‌ها با مدارک باستان‌شناسی همراه شده و به مناطق شمالی مراکز ایلامی (شوش و آشان) نیز توجه زیادی نشده است. این عدم توجه به مناطق شمالی مراکز ایلامی باعث شده تا بیشتر پژوهشگران جای‌نام‌های ایلامی دارای معادن فلزی را در شرق آشان و استان امروزی کرمان معرفی کنند (Vallat, *Eléments de géographie élamite*, pp. 50-52؛ پرو و دلفوس، ص ۱۹۱)؛ و از استان‌هایی مانند یزد، اصفهان و چهارمحال و بختیاری غافل شوند. در این پژوهش سعی شده است تا با استفاده از داده‌های باستان‌شناسی دوره ایلام و منابع نوشتاری به‌جای‌مانده هم‌زمان، ابتدا در خصوص شرایط ممکن برای حضور ایلامی‌ها در نواحی شمالی و شمال‌شرقی مراکز ایلامی و سپس به جای‌نام‌شناسی مناطق کهن ایلامی در این نواحی پرداخته شود.

۲. حدود مرزهای جغرافیایی حکومت ایلام

در مطالعات مربوط به دوره ایلام، عقیده‌ای مبنی بر دوگانگی جغرافیایی و به تبع آن دوگانگی فرهنگی و حتی قومی وجود دارد که نخستین بار وینست شایل در سال ۱۹۰۰ میلادی این موضوع را مطرح نمود؛ وی این موضوع را با توجه به شواهد زبانی در اسناد ایلامی و به‌خصوص لقب پادشاه آشان و شوش پیش کشید (Scheil, p.9). بدین ترتیب در طی سالیان بعد، موضوعاتی درباره ایلامیان ساکن دو منطقه جغرافیایی دشت و کوهستان مطرح شد (هینتس، ص ۶۱). اما در خصوص محدوده حکومت ایلام باید خاطر نشان کرد، محدوده‌ای که زیر نظر مستقیم این حکومت در دوره‌های مختلف بوده، متفاوت است. بدین صورت که در دوره آغاز ایلامی با توجه به شواهد باستان‌شناسی می‌توان حدود کل فلات ایران را برای دوره آغاز ایلامی در نظر گرفت و محوطه‌های

یحیی، چغامیش، ملیان، شوش، شهرسوخته، سیلک، ازبکی، گودین و تپه سفالین پیشوا دارای شواهد محکم باستان‌شناسی مربوط به دوره آغاز ایلامی است (Alden, pp. 613-640؛ حصاری و یوسفی‌زک، صص ۱-۲۲) که پراکندگی این محوطه‌ها حدوداً در تمام فلات ایران است. اما باید خاطر نشان کرد که با توجه به شواهد باستان‌شناسی به دست آمده مربوط به دوره آغاز ایلامی، نه تنها از نظر محدوده جغرافیایی باید این دوره را از دوره ایلام قدیم مجزا دانست، بلکه از نظر فرهنگی نیز این دو دوره با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند. اما دوره ایلام قدیم خود به سه دوره کوتاه‌تر تحت عناوین: آوان، شیمشکی و سوکل مخ تقسیم شده است. دوره مورد بحث در این مقاله، در حدود عصر شیمشکی (۲۰۹۴-۱۹۴۰ ق.م) قرار می‌گیرد (Potts, pp. 158-159). تاکنون در خصوص محدوده حکومت ایلام در دوره‌های شیمشکی و سوکل مخ مطالعاتی انجام شده (Stopler, pp. 42-67) که با استفاده از این موارد در کنار متنی مربوط به دوره ایسین-لارسا، درباره جنگ ایشبی اِرا (Išbi-Eraa) (۱۹۲۱-۱۸۸۹ ق.م)، اولین پادشاه سلسله اول ایسین، با کینداتو، ششمین پادشاه نام برده شده در لیست شیمشکی، می‌توان حدود گسترش حکومت ایلام در دوره مورد بحث را بازسازی نمود. بدین صورت که متن فوق در خصوص وسعت سرزمین‌های فرمانروای شکست‌خورده شیمشکی (کینداتو) از پاشیمه (Pashime) تا زَبشلی و از آراوا / اوروا (Urua) تا مرهشی (Marhashi) صحبت می‌کند. استینکلر به خوبی نشان داد که مرزهای ایلام در این متن حدوداً بر اساس جهات شمالی- جنوبی و شرقی- غربی هستند، که به این ترتیب پاشیمه در جنوب، زَبشلی در شمال، آراوا در غرب و مرهشی در شرق ایلام قرار داشته‌اند (Steinkeller, On the Identity of the Toponym Lu.Su, pp.197-202; Steinkeller, New light on Šimaški and its rulers, pp.215-232). والا نیز بر روی این متن مطالعه‌ای به منظور مشخص نمودن حدود حکومت ایلام انجام داده که معتقد است پاشیمه در مرز جنوبی ایلام و در ساحل خلیج فارس بوده (Vallat, Les noms géographiques des sources suso-élamites, pp. 11-12)؛ زَبشلی در مرز شمالی و در حدود بالای اصفهان جای داشته و اوروا در شمال غرب خوزستان بر سر راه ارتباطی دشت شوشان با جنوب بابل و در نهایت مرز شرقی که مرهشی بوده و والا حدود بلوچستان را برای آن پیشنهاد می‌دهد (Vallat, La Géographie de l'Elam d'Après Quelques Textes Mesopotamies, pp. 11-16). بدین ترتیب مناطق تحت نفوذ مستقیم حکومت ایلام در این دوره را می‌توان در حدود استان‌های خوزستان، فارس، بندرعباس، کرمان، بلوچستان، لرستان، کهگیلویه و بویراحمد، ایلام و بخش‌هایی از

چهارم‌حال و بختیاری، اصفهان و کرمانشاه در نظر گرفت. در شکل ۱ می‌توان حدود پیشنهادی برای مناطق تحت نفوذ مستقیم ایلامیان در دوره مورد بحث را مشاهده نمود. ضمن آن‌که در طی مطالعه رفیعی‌علوی در باره سنجش میزان گسترش حکومت ایلام در ۱۹۰۰-۱۶۰۰ ق.م، که هم‌زمان با بخشی از محدوده زمانی مورد مطالعه در این پژوهش است، حدود استان‌های خوزستان، فارس، ایلام، لرستان، چهارم‌حال و بختیاری و کهگیلویه و بویراحمد برای میزان گسترش حکومت ایلام در نظر گرفته است (رفیعی‌علوی) و مناطق شرقی‌تر همچون کرمان را از این حوزه حذف نموده که در ادامه در خصوص آن بحث خواهد شد.

۳. موقعیت زبشلی بر اساس کتیبه‌های میان‌رودانی و نظر پژوهشگران معاصر

تاکنون بر روی جای نام‌شناسی شهرها و مناطق مختلف ایلامی مطالعات فراوانی صورت گرفته و نظریه‌ها و فرضیات بسیاری هم در خصوص این مناطق مطرح شده است. دو مرکز عمده ایلامی، شهرهای شوش و انشان بوده‌اند که امروزه مکان دقیق آنها با توجه به مطالعات صورت‌گرفته مشخص است (Carter, Notes on Archaeology and the social and economy history of Susiana, pp. 43-48; Reiner, pp. 57-62). اما جای نام‌شناسی شهرها و مناطق ایلام با توجه به کمبود مدارک و شواهد، کار دشواری است. یکی از این نواحی شیمشکی^۱ می‌باشد، این ناحیه از آن‌جا که دربرگیرنده زبشلی بوده، در این پژوهش از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. از این رو به نظرات مختلف پیرامون مکان این ناحیه، در جهت فهم بهتر از حدود مکانی زبشلی، پرداخته می‌شود. ابتدا به بررسی کتیبه‌ای از شوسین (ŠuSuen) چهارمین پادشاه سلسله سوم اور پرداخته خواهد شد که تاریخ حکومت او از ۲۰۳۷ تا ۲۰۲۵ ق.م تعیین شده است، در این کتیبه از شش شهر مهم در منطقه شیمشکی صحبت به میان آمده است (Steinkeller, New light on Šimaški and its rulers, pp. 216-217). این شش شهر به ترتیب ذکر شده عبارتند از: زبشلی، شیگریش، یابولمات، الومیداتوم، کارتا و شاتیلو (نیکنامی و رفیعی‌علوی، ص ۲۰۱؛ Potts, Table 5.1). برطبق نظر افرادی چون استینکلر، سیگریست و گمی، زبشلی در بین سرزمین‌های شیمشکی از همه مهم‌تر به نظر می‌رسد (Steinkeller On the Identity of the Toponym Lu.S, p.199; Sigrist and Gomi, p.327)؛ ضمن آنکه در برخی از منابع به‌جای مانده از شو-سین، به طلا به‌عنوان غنیمتی از شیمشکی اشاره می‌شود (Steinkeller, On the Identity of the Toponym Lu.Su, p. 199). در خصوص

مکان شیمشکی تاکنون نظرات مختلفی بیان شده است؛ برخی معتقدند شیمشکی باید جایی در همسایگی شرقی سلسه سوم اور (میانرودان) و در دسترس آنها باشد (Stopler, p.46). والتر هینتس، موقعیت شیمشکی را کوه‌های لرستان در شمال خوزستان و به طور دقیق‌تر خرم‌آباد امروزی دانسته است (Hinz, pp.12-13). کوپر، شیمشکی را همسایه شمالی خوزستان می‌داند (Kupper, p.27). پیر آمیه شیمشکی و آوان را در شرق دشت شوشان جستجو نموده است (Amiet, 1979: 4). میروشیجی نیز کوه‌های شرق و شمال شرق شوشان را به‌عنوان جایگاه شیمشکی مطرح می‌کند (de Miroschedji, pp.137-138). هرتسفلد، شیمشکی را در منطقه‌ای بین گلپایگان و اصفهان می‌داند (Herzfeld, pp.179-180). درعین حال زادوک بین فارس و دریای خزر را به‌عنوان شیمشکی مطرح می‌کند (به نقل از Potts, p.103)؛ و والا منطقه کرمان را جایگاه شیمشکی می‌داند (Vallat, *Eléments de géographie élamite*, pp. 50-52). همان‌طور که مشخص است، با توجه به نظریات مطرح شده در مورد شیمشکی برای این ناحیه مکان دقیقی نمی‌توان مطرح نمود. اما به نظر می‌رسد دو منطقه شرق و شمال مراکز ایلامی، بیشتر مورد توجه پژوهشگران است. زبشلی باستان، به‌عنوان یکی از شهرهای مهم شیمشکی، در این پژوهش مورد مطالعه بوده که در ادامه به بررسی زبشلی باستان بر اساس کتیبه‌های میان‌رودانی پرداخته می‌شود تا بتوان با کنار هم قراردادن نظرات پیرامون این دو جای‌نام (زبشلی و شیمشکی) به درک جامع‌تر و صحیح‌تری از مناطق مورد بحث رسید.

در کتیبه‌های میان‌رودانی، چندین بار از زبشلی سخن به میان آمده است، از جمله کتیبه‌ای از شوسین که در سال هفتم حکومتش، زبشلی را نابود کرده است (Potts, p.137). همچنین کتیبه‌های سلطنتی میان‌رودان، قلعه را غنیمتی از زبشلی و شیمشکی نقل می‌کنند (Sollberger and Kupper, p.IIIA4e). در عین حال که بر اساس متنی از شوسین، مکان زبشلی از مرزهای انشان تا دریای بالا دانسته شده است (Vallat, *Les noms géographiques des sources suso-élamites*, p. 305). اور نینیب (Ur-Ninib) پادشاه سلسله ایسین، فتح سرزمین زبشلی و لو. سو با مردمانی وحشی و کوچ‌نشین را ادعا کرده است (Olmstead, p 82).

استینکلر نیز از کنار هم آمدن نام‌های زبشلی و لو.سو سخن به میان آورده است؛ او معتقد است لو.سو همان شیمشکی باستان بوده و دلیل آن‌که زبشلی نامش در کنار لو.سو آمده، به‌خاطر آن است که زبشلی مهم‌ترین شهر منطقه شیمشکی بوده است

(Steinkeller On the Identity of the Toponym Lu.Su, pp. 198-199). البته شاید اصلی‌ترین سؤالی که بتوان بر نظر استینکلر وارد کرد آن است که به چه دلیل تنها در این کتیبه‌ها بوده که به جای نام شیمشکی از نام لو.سو استفاده شده و در کتیبه‌های دیگر بارها از نام خود شیمشکی استفاده شده است؟ و چه دلیلی داشته است که به جای نام شیمشکی که حداقل خود شامل ۶ شهر مهم بوده، از نام لو.سو در کنار مهم‌ترین شهر منطقه شیمشکی یعنی زبشلی استفاده شود؟ همچنین می‌توان به کتیبه‌ای از سال ۴۷ شولگی اشاره نمود که در آن به غنیمتی از لو.سو اشاره داشته و تنها حدود ۲ سال بعد (یعنی سال اول حکومت امر- سین) نام شیمشکی (طبق نظر استینکلر به جای لو.سو) بر کتیبه‌ای استفاده می‌شود (Potts, p.138). با وجود نزدیکی تاریخی دو کتیبه (حدود ۲ سال)، اگر قرار بر یکی بودن این نام‌هاست، چرا در این فاصله زمانی کوتاه، دو نام مختلف به وسیله میان‌رودانی‌ها برای منطقه‌ای در ایلام به کار رفته است؟ در عین حال یکی از دلایل عمده مطرح شده از سوی استینکلر برای یکی دانستن زبشلی و لو.سو، کتیبه‌ای مربوط به سال هفتم شوسین است (Potts, p.141) که استینکلر ترجمه آن را به این صورت نقل می‌کند:

«شوسین، لوسوکی را که تشکیل شده از سرزمین‌های زبشلی از مرز انشان تا دریای بالا (محل پیدایی آنها) از جمله لوسوستس (locusts)، نیبولمات (Nibulmat)، شیگریش (Shigrish)، الومیدتوم (Alumiddatum)، گرت (Garta) آزهر (Azahar)، بولما (Bulma)، نوشوشمار (Nushushmar)، نیشگملوم (Nishgamelum)، سیسیتوم، آرهیر (Arahir)، شتیلو (Shatilu)، تیرمیوم (Tirmium) شکست داد.» (Steinkeller, 1990: 10)

در حالی که زادوک و کوتشر ترجمه دیگری با این مضمون را برای آن در نظر می‌گیرند: «شوسین، لوسوکی جزئی از سرزمین‌های زبشلی را از مرز انشان تا دریای بالا (محل پیدایی آنها) از جمله {ادامه همان جای نام‌هایی که در بالا آمد} شکست داد.» (Kutscher, 1989: 90; Zadok, 1991: 227) همچنین زادوک نشان می‌دهد سرزمین‌های زیر نظر شیمشکی می‌توانند تا ۱۶ عدد باشند که لو.سو را هم جزئی از آنها (نه خود سرزمین شیمشکی) برطبق کتیبه‌های میان‌رودانی مطرح می‌کند (Zadok, p.227). به هر روی، در کنار این نظر استینکلر، با توجه به آن‌چه در بالا آمد، می‌توان نظر همسایگی لو.سو و زبشلی را مطرح نمود و عنوان کرد به همین دلیل است که نام این دو شهر در چندین کتیبه، در کنار یکدیگر آمده است. در هر صورت آن‌چه اهمیت دارد وجود اقوامی کوچ‌نشین در لو.سو است.

۴. پیشنهادی بر جای نام زَبشلی

براساس آنچه از کتیبه‌های میان‌رودانی می‌توان دریافت، زَبشلی را بایست همسایه شمالی‌انشان تا دریای بالا، مکانی با منابع قلع قلمداد کرد که در همسایگی لوسو بوده و یکی از شهرهای منطقه شیمشکی بوده است. درخصوص دریای بالا باید اذعان داشت، از آنجا که شوسین، دریای بالا را برای آب‌های آن‌سوی انشان به‌کار برده، برخی معتقدند منظور از دریای بالا همان خزر امروزی است (Zadok, p. 228; Frayne, p. 406). اگر دریای بالا، خزر در نظر گرفته شود، آن‌گاه سرزمین زَبشلی که برطبق متن شوسین از مرزهای انشان تا دریای بالا آورده شده، شامل استان‌های نیمه شمالی محدوده ایران امروزی خواهد بود. این درحالی است که براساس آنچه در بالا آمد، زَبشلی بخشی از منطقه شیمشکی بوده که این منطقه خود در دوره معروف به شیمشکی یکی از مناطق تحت‌نفوذ مستقیم حکومت ایلام بوده است و نباید در نواحی دوردست از مراکز ایلامی (شوش و انشان یا خوزستان و فارس) به‌دنبال آن بود؛ علاوه‌برآن، تاکنون با توجه به مطالعات، بررسی‌ها و کاوش‌های باستان‌شناختی انجام شده، درهیچ‌یک از استان‌های نیمه شمالی ایران، به محوطه ایلامی اشاره نشده است. هرچند ممکن است بتوان نفوذ فرهنگ ایلامی در حدود شمال ایران را مطرح نمود، در دوره‌ای که حضور مستقیم ایلامیان در مناطق نزدیک‌تر به مراکز ایلامی (شوش و انشان) با شک و تردید مطرح می‌شود، صحبت کردن از حضور مستقیم ایلامیان آن‌هم در مهم‌ترین شهر منطقه شیمشکی، یعنی زَبشلی، در نزدیکی دریای خزر منطقی به‌نظر نمی‌آید. اما والا دریای بالا در متن شوسین را دریای خزر آورده است؛ همچنین در متون از ۵۹ شخص به خط میخی نام برده شده که می‌توان آنها را اهل شیمشکی دانست که از این بین تقریباً ۱۲ نام ایلامی یا منسوب به ایلام را می‌توان ذکر کرد، حال آنکه دست‌کم فردی از اهالی زَبشلی به‌نام این-د-سو (In- Da- Su) نیز نامی ایلامی دارد (Zadok, p.228). برطبق این مطلب، سرزمین‌های شیمشکی از استان فارس امروزی، مرکز استفاده از زبان ایلامی، فاصله زیادی نداشتند (Potts, p.141). اما دریای بالا را باید در کجا جستجو نمود؟ شاید بتوان باتلاق امروزی گاوخونی را به‌عنوان دریای بالا در دوره ایلام پیشنهاد نمود که وسعت امروزی این باتلاق حدود ۴۷ هزار هکتار است (ذوفن، ص ۱۲)؛ لازم به ذکر است در ادامه درخصوص ظرفیت‌های باستان‌شناختی این محدوده در دوره ایلام صحبت به میان خواهد آمد (ن.ک: اسمعیلی جلودار، ۱۳۸۶ و ۱۳۹۱). اما نکته دیگر ذکر شده از زَبشلی، منابع قلع آن است. در شکل ۲ می‌توان منابع قلع خیز و دارای پتانسیل قلع در ایران را که به‌ترتیب با

رنگ‌های زرد، سبز و بنفش مشخص شده‌اند، مشاهده نمود. در شمال انشان منابع قلع خیز ایران تنها در جنوب شرق استان اصفهان (در فاصله اندک با باتلاق گاوخونی)، شمال غرب استان یزد (در فاصله اندک با باتلاق گاوخونی) و شمال غرب استان اصفهان قابل پیگردی هستند. همچنین همان‌گونه در بالا نقل شد، شیمشکی به‌عنوان سرزمین دربرگیرنده زَبشلی، دارای معادن فراوان طلا و نقره بوده است. که در این زمینه پتانسیل بالای معدنی استان‌های اصفهان و یزد غیرقابل انکار است. به این ترتیب شاید بتوان با توجه به مطالعه بر روی معادن و منابع نوشتاری، استان اصفهان و نواحی شمالی استان امروزی یزد را به‌عنوان بخش‌های عمده شمال شرق و شمال حکومت ایلام و جایگاهی برای زَبشلی (بخشی از شیمشکی) در نظر گرفت (شکل ۱). همچنین باید توجه داشت، در آغاز سروده ان‌مِرکَر (En Mer Kar) و فرمانروای آرَت که رجعت به گذشته دور است، به طلا، نقره، مس، قلع و تخته‌های سنگ لاجورد اشاره شده است. در همین سروده، در مورد ارسال سنگ‌های غیمتی کوهستان به دشت سومر در ازای دریافت غله از سومر نیز اشاره شده است (Jacobsen, p. 281). این موضوع باعث شده است تا فرضیه‌ای مطرح شود مبنی بر آنکه بخش‌هایی از ایلام که به استخراج مواد معدنی فلزی و سنگ‌های مناسب برای ساخت مهره‌های تزئینی مشغول بوده‌اند، به محصولات کشاورزی سومر تکیه داشته‌اند (Kohl, 1978). این امر بدان معناست که نواحی با ظرفیت معدنی بالا عموماً در مناطق کویری خشک با درصد کم بارندگی قرار داشته‌اند که برای کشاورزی شرایط چندان مناسبی نداشته‌اند؛ همانند بخش‌هایی از استان‌های اصفهان و یزد که دقیقاً با چنین شرایطی روبه‌رو هستند.

۵. ارزیابی منابع مکتوب در خصوص زَبشلی

با توجه به آنچه مشخص شد، زَبشلی بخشی از سرزمین شیمشکی بوده که منابع فلزی فراوانی داشته و در نزدیکی دریای بالا در شمال انشان واقع بوده است. والا با توجه به معادن فراوانی که برای شیمشکی نقل شده، مکان آن را کرمان در نظر گرفته است (Vallat, *Éléments de géographie élamite*, pp.50-52). اما باید توجه داشت شیمشکی در طول هزاره دوم ق.م در منابع نوشتاری بسیار حائز اهمیت شده و در متون این دوره، فراوان از آن نام برده شده است، این درحالی است که کرمان در اواخر هزاره سوم و در طول هزاره دوم ق.م به‌مانند گذشته دارای استقرار نبوده و داده‌های باستان‌شناختی در این دوره در کرمان به‌شدت کاهش می‌یابند. همچنین باید به حضور شهر زَبشلی

به‌عنوان مهم‌ترین شهر شیمشکی در شمال انشان نیز اشاره شود. بدین‌صورت کرمان (شرق انشان) نمی‌تواند جایگاه مناسبی برای شیمشکی باشد. در همین خصوص زادوک جایگاه شیمشکی و در نهایت زبشلی را از فارس تا دریای خزر می‌داند (به نقل از Potts, p.103) که دلیل او، توجه به بحث پیرامون نزدیکی زبشلی به‌عنوان مهم‌ترین شهر شیمشکی به دریای بالا بوده است. اما باید توجه داشت که خزر نسبت به مراکز ایلامی فاصله بسیار زیادی دارد و نمی‌تواند به‌عنوان مکانی برای شیمشکی که جزئی از سرزمین ایلام بوده در نظر گرفته شود. همچنین تاکنون از نیمه شمالی ایران هیچ محوطه‌ای مربوط به دوره ایلام گزارش نشده است. با توجه به متون، بسیاری بر مکان‌یابی شیمشکی در شمال مراکز ایلامی (شوش و انشان)، (Kupper, Herzfeld, pp.179-180;) (p.27) به‌عنوان ناحیه‌ای که نمی‌بایست جزئی از شوش و انشان باشد، معتقد هستند. این نظر با توجه به معادن فراوان شیمشکی و همچنین مکان زبشلی به‌عنوان مهم‌ترین شهر شیمشکی (شمال انشان و نزدیک دریای بالا) و همسایگی لو.سو و زبشلی با مردمانی کوچ‌نشین در کنار یافت‌شدن شمار فراوان محوطه‌هایی از دوره ایلام در استان‌های اصفهان و چهارمحال و بختیاری^۲ می‌تواند صحیح‌تر باشد.

۶. داده‌های باستان‌شناختی مناطق مورد مطالعه

با توجه به مباحث طرح شده به‌منظور جای‌نام‌شناسی نواحی باستانی بحث شده در بالا، سه منطقه برای مطالعات تکمیلی باستان‌شناختی در نظر گرفته شد که عبارتند از: ۱- ورزنه (جنوب استان اصفهان) ۲- اردل (جنوب استان چهارمحال و بختیاری) و ۳- عسگران (غرب استان اصفهان). تمامی محوطه‌های فوق در نواحی شمالی و شمال‌شرقی مراکز ایلامی قرار گرفته‌اند. هر یک از مناطق مورد مطالعه دارای شرایطی خاص مربوط به دوره ایلام بوده‌اند و درباره آنها بحث خواهد شد.

۷. محوطه‌های ایلامی شهر سبا، ورزنه استان اصفهان

درباره پیشینه مطالعات مربوط به دوره ایلام در استان اصفهان باید گفت تاکنون فعالیت باستان‌شناختی گسترده‌ای در خصوص دوره ایلام در این استان صورت نگرفته است. اما در این بین، می‌توان به کاوش باستان‌شناسی جاوری در محله گورتان شهر اصفهان اشاره داشت، که در طی آن آثاری مربوط به دوره ایلام میانه گزارش شد (جاوری، ۱۳۸۳). همچنین باید به کاوش‌های باستان‌شناسی سعیدی، در کپنده اشاره نمود که به شناسایی لایه‌هایی مربوط به دوره ایلام قدیم انجامید (سعیدی انارکی، ۱۳۸۶). ضمن آنکه در

بررسی‌های باستان‌شناختی انجام شده در غرب استان اصفهان در حوزه چناررود، سفال‌هایی یافت شده که کاملاً قابل‌مقایسه با سفال‌های ایلامی هستند و طی این پژوهش حضور ایلامیان در این منطقه با احتمال مطرح شده است (خطیب‌شهیدی و دیگران، ص ۴۰). شهرسبا در ساحل غربی باتلاق گاوخونی و شمال شهر ورزنه قرار گرفته است (شکل ۳) که در سال ۱۳۸۴ به‌منظور شناسایی از دیدگاه باستان‌شناسی و ثبت محوطه‌های باستانی و تهیه نقشه باستان‌شناسی، توسط اسمعیلی جلودار بررسی شد (۱۳۸۶). از شهر سبا تاکنون ۱۹ محوطه ایلامی شناسایی شده است. بیشتر محوطه‌های ایلامی شهرسبا دارای ارتفاعی اندک از سطح زمین‌های اطراف بوده و در کویر ورزنه جای گرفته‌اند. سفال‌های ایلامی این منطقه را می‌توان در سه گروه طبقه‌بندی نمود که عبارتند از ۱- سفال منقوش ۲- سفال نخودی ساده ۳- سفال نارنجی با مغزی دودزده (طرح ۱ و جدول ۱). تعدادی از محوطه‌های ایلامی شهرسبا، به دلیل یافت‌شدن سرباره‌های فلزی از اهمیت زیادی در مطالعات مربوط به دوره ایلام، برخوردار هستند و می‌توانند نشانی از کارگاه‌های ذوب فلز در شهرسبا باشند؛ که البته دریافتن این موضوع نیازمند کاوش‌های باستان‌شناختی در منطقه است. سرباره‌های فلزی یافت شده در این محوطه‌ها عموماً دارای قطری در حدود ۵ تا ۱۰ سانتیمتر و به‌صورت زیر و خشن و مات بوده و در بازه رنگ‌های تیره از قهوه‌ای تا سیاه قرار دارند. ضمن آنکه در محوطه سبا ۴۵ یک بوته ذوب مس نیز گزارش شده است (اسمعیلی جلودار، ۱۳۸۶).

۸. محوطه‌های ایلامی شهرستان اردل، استان چهارمحال و بختیاری

استان چهارمحال و بختیاری با میزان متوسط بارندگی ۳۳۶ میلیمتر و میانگین درجه حرارت ۱۱ درجه سانتی‌گراد دارای شرایط کاملاً مساعد برای رویش نباتات علوفه‌ای و در نتیجه دامداری می‌باشد. مساحت مراتع استان در حدود یک میلیون هکتار برآورد شده است. یک میلیون هکتار مراتع و جنگل‌های غنی که در بالا اشاره شد، در کنار کمبود زمین‌های مناسب برای کشاورزی شرایطی هستند که منطقه را جهت زندگی کوچ‌روی مهیا و آماده نموده است (Young, 1972). شهرستان اردل در قسمت غربی و جنوب‌غربی استان چهارمحال و بختیاری قرار دارد (شکل ۴)؛ و دارای رشته‌کوه‌های نسبتاً مرتفع با چندین قله بالای ۳۰۰۰ متر است که به دره‌های عریض و بزرگی ختم می‌شوند. از شهرستان اردل بخش مرکزی ۲۸ محوطه ایلامی (اسمعیلی جلودار، ۱۳۸۶) و بخش میان‌کوه نیز ۲۵ محوطه ایلامی شناسایی شده است (خسروزاده و دیگران، صص ۸۵-).

۶۱). محوطه‌های ایلامی در این شهرستان را می‌توان به دو بخش محوطه‌هایی با استقرار دائم و محوطه‌های کوچ‌نشینی تقسیم‌بندی نمود. تعداد محوطه‌های کوچ‌نشینی شناسایی شده بسیار بیشتر از محوطه‌های با استقرار دائم می‌باشد. به طور مثال در بخش میان‌کوه شهرستان اردل، بیش از ۷۶٪ محوطه‌های ایلامی این منطقه کوچ‌نشینی هستند (خسروزاده و دیگران، ص ۷۵). همچنین در اردل بخش مرکزی، تعدادی از محوطه‌های ایلامی شناسایی شده، در نزدیکی وارگه‌های امروزی کوچ‌نشینان قرار گرفته و در محیطی کاملاً سنگلاخی با ارتفاعی کم و سفال‌های فرسوده گزارش شده‌اند (اسمعیلی، ۱۳۸۶). این موضوع با توجه به بحثی در خصوص لو.سو باستان انجام گرفت از اهمیت زیادی برخوردار است. زیرا، علاوه بر اردل از شهرستان فارس، کوه‌رنگ و لردگان نیز تاکنون چندین محوطه کوچ‌نشینی از دوره ایلام شناسایی شده است که این امر در کنار همسایگی زبشلی، لو.سو و کوچ‌نشین بودن اقوام آن می‌تواند موضوع مهمی باشد.

۹. محوطه‌های ایلامی عسگران

شهر عسگران در شهرستان تیران و کرون و در بخش کرون واقع شده است. شهرستان تیران و کرون در غرب استان اصفهان قرار دارد. در تاریخ اصفهان و ری آمده است که در کوه‌های میان کرون و فریدن و دالان کوه معادنی وجود دارند و در بین آنها «سرب و قلع بیشتر دیده می‌شود و آرامنه کرد سفلی از آن سخن نمودند و می‌گفتند نقره از آن سرب هم بیرون می‌آوردند؛ همچنین کوهچه‌های تپه‌ماهورهای کرون از ابتدا به خطی که می‌رود هم سرب دارد» (جابری انصاری، ص ۳۹۰). سید محمدعلی جناب در کتاب الاصفهان از وجود معادن سرب این منطقه سخن به‌میان آورده و نوشته است:

«معادن سرب در قمشلو، گنهران، حاجی‌آباد، کرد پایین، خیرآباد و کوه وحین وجود دارد (جناب، ص ۱۹۲). مهم‌ترین معدن سرب این شهرستان چشمه موشی است که در سال ۱۳۲۹ شمسی بهره‌برداری شد. این معدن دارای نقره و سرب می‌باشد (جمالزاده، ص ۷۴). همچنین معدن سرب کوه انجیره در شمال تیران که دارای ۲ میلیون تن ذخیره سرب می‌باشد» (بدیعی، ص ۳۳۱).

تعداد ۱۴ محوطه ایلامی از بخش عسگران شهرستان تیران و کرون در ناحیه شرقی کوه‌های زاگرس مرکزی شناسایی شده است (شکل ۵). عمده محوطه‌های ایلامی یافت شده از این ناحیه دارای سفال‌های متعلق به اواخر دوره ایلام قدیم و اوایل عصر ایلام میانه هستند (طرح ۱ و جدول ۱). محوطه‌ها بیشتر در کنار رودخانه مرغاب قرار گرفته و در منطقه‌ای بین روستای آلور و شهر عسگران جای دارند. از این منطقه شواهدی مربوط به وارگه‌های کوچ‌نشینان امروزی نیز شناسایی شد که وجود چنین وارگه‌هایی در کنار

ارتفاع کم محوطه‌ها و پراکنش اندک سفال‌های فرسوده بر روی آنها می‌تواند از وجود سنت کوچ‌نشینی در این منطقه از دوره ایلام و ادوار قدیمی‌تر خبر بدهد. یکی از تپه‌های مهم این ناحیه، تپه آقام‌تپه بوده که برای مردمان منطقه جنبه تقدس داشته و کاملاً مورد احترام است؛ ممکن است بتوان این تقدس را مربوط به سالیان دور این تپه دانست. در کنار موارد گفته شده، در روستای گرد علیا در محوطه ایلامی شناسایی شده، تعدادی سرباره فلزی نیز به دست آمد و همان‌طور که گفته شد، در کتب تاریخی نیز در خصوص وجود معادن سرب، قلع و نقره در این ناحیه اشاراتی رفته است (جناب، ص ۱۹۲).

۱۰. مطالعه معادن فلزی در محدوده پیشنهادی برای زبشلی

همان‌طور که مشخص شد، در این پژوهش حدود جنوب و جنوب‌شرق استان اصفهان و شمال‌غرب استان یزد به‌عنوان محدوده پیشنهادی برای شهر زبشلی در نظر گرفته شد. در این محدوده، یکی از مهم‌ترین مناطق دارای پتانسیل بالای معادن فلزی منطقه انارک-اردکان است. مس، طلا، نقره و قلع از مهم‌ترین فلزات مورد استفاده در دوره ایلام بین این سرزمین و میان‌رودان بوده است. در کتیبه‌های سومری به تجارت فلز مس بین اروک و ارت اشاره شده است (Pettinato, 1972). در میان کانسارهای مس، کانسار مس کالکوسیت (Cu_2S) به چند دلیل برای مردمان باستان دارای جذابیت است: نخست دسترسی آسان به این کانسار، دوم میزان بالای مس این کانسار (حدود ۸۰ درصد) و سوم آسانی ذوب آن. این مسئله موجب شده تا در دنیای باستان به آن توجه ویژه‌ای شود. مطابق مطالعات زمین‌شناسی انجام‌شده، این کانسار در استان اصفهان در شهرستان‌های نایین (به‌خصوص بخش انارک) و کاشان قابل پیگردی است (Nezafati et al, p.82). از سوی دیگر درصد بالای نیکل (۱۴٫۹۴٪) در کانسار مس انارک استان اصفهان برخی از پژوهشگران را بر آن داشته تا این منطقه را یکی از نواحی تأمین‌کننده فلز مس سومر از طریق ایلام بیان نمایند (Dayton, p.53). برخی از پژوهشگران نیز معادن طالامسی و مس‌خانی در استان اصفهان را به دلیل میزان بالای مس و موقعیت جغرافیایی مناسب، از مناسب‌ترین معادن برای تجارت مس به میان‌رودان دانسته‌اند (Ladame, p.23). همچنین به‌خاطر وجود عناصری مانند آرسنیک و کبالت نیز برخی از پژوهشگران معادن طالامسی و مس‌خانی را برای استفاده در دنیای کهن مناسب دانسته‌اند (Bazin & Hubner, 1969). زیرا استفاده از مس آرسنیک‌دار قدیمی‌تر از آلیاژ مس قلع‌دار بوده و تنها در حدود ۱۵۰۰ ق.م است که مفرغ‌هایی از جنس قلع به‌طور کامل جایگزین مس

آرسنیک‌دار شده‌اند (De Ryck et al., p.262). اما فلز دیگری که در مطالعات باستان‌شناختی دوره ایلام اهمیت بسیاری دارد، قلع است. یکی از مهم‌ترین معضلات مطالعه قلع در دوره ایلام، مربوط به منشأ این فلز است (Crawford, 1974). برخی منشأ آن را آناتولی دانسته‌اند (Muhly and Wertime, 1973) و برخی دیگر به افغانستان به‌عنوان منشأ این فلز اشاره کرده‌اند (Cleuziou and Berthoud, 1982). در حدود ۲۵ کیلومتری جنوب غرب شهر انارک در کویر بین انارک و اردکان، معدن چاه‌پلنگ با پتانسیل بالای قلع واقع شده که براساس بازدید نویسنده دوم مقاله حاضر شواهد معدن‌کاری کهن (شدادی) در این ناحیه شناسایی شده است. هرچند به دلیل فعالیت‌های معدنی دوره قاجار در این معدن توسط اروپاییان، آسیب‌هایی به معدن‌کاری‌های کهن‌تر وارد شده، هم‌چنان شواهدی باستان‌شناختی از این معدن در دوره ایلام قابل پیگردی است که تاکنون مطالعه جامعی بر روی این معدن از این دیدگاه انجام نشده است.

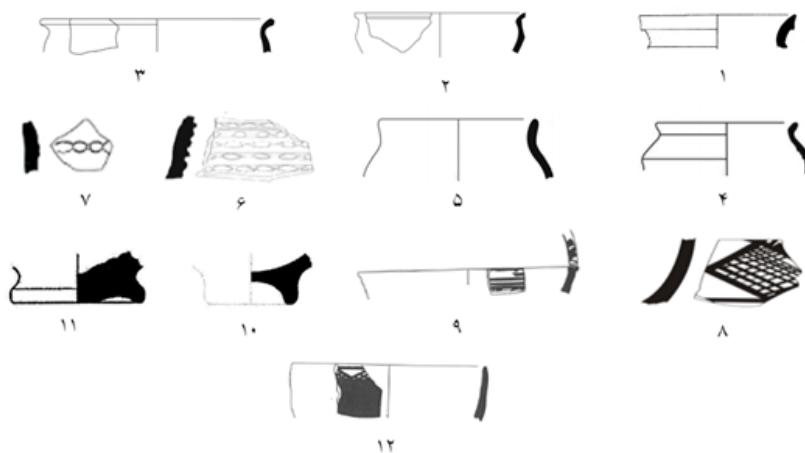
۱۱. نتیجه

بر اساس آنچه در بالا آمد، نواحی شمالی و شمال‌شرقی مراکز ایلامی، تاکنون کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. تنها تعدادی از پژوهشگران بدون ارائه مدارک باستان‌شناسی در حد حدس و گمان به این نواحی پرداخته‌اند. زبشلی به‌عنوان یکی از شهرهای شیمشکی که بسیاری آن را مهم‌ترین شهر شیمشکی می‌دانند، در متون دارای چند مشخصه کلی است: ۱- در شمال انشان قرارداد؛ ۲- در نزدیکی دریای بالا است؛ ۳- دارای معادن فلزی مختلف از جمله قلع است و ۴- نام این شهر بارها در کنار نام لو.سو تکرار شده که احتمالاً به‌معنای همسایگی با لو.سو بوده یا اینکه زبشلی جزئی از لو.سو (به‌عنوان شیمشکی) بوده است. برطبق این موارد اگر دریای بالا، باتلاق گاوخونی که در دوران‌های گذشته بسیار پرآب‌تر از امروز بوده، در نظر گرفته شود، در کنار معادن قلع امروزی در حدود جنوب استان اصفهان و شمال استان یزد و سرباره‌های فلزی یافت‌شده از محوطه‌های شهرسبا و اینکه زبشلی جزئی از سرزمین ایلام بوده، حدود جنوب استان اصفهان و شمال استان یزد، مناطق مناسبی برای مکان‌گزینی زبشلی باستان هستند. ضمن آنکه شهرسبا در جنوب استان اصفهان به‌عنوان مطالعه موردی در ناحیه مورد بحث انتخاب شد که دارای داده‌های فراوان و جالب‌توجهی از دوره ایلام به‌خصوص ادوار ایلام قدیم و میانه بود. اما در کنار زبشلی، لو.سو نیز دارای اهمیت است. چراکه دارای اقوامی کوچ‌نشین و در نزدیکی زبشلی بوده است. در استان امروزی چهارمحال و بختیاری،

محوطه‌های کوچ‌نشینی فراوانی از دوره ایلام شناسایی شده است، به گونه‌ای که می‌توان یکی از معیشت‌های اصلی ساکنان ایلامی این منطقه را کوچ در نظر گرفت. همچنین با توجه به همسایگی نزدیک استان‌های اصفهان و چهارمحال و بختیاری به خصوص در نواحی غربی و جنوبی، و یافت شدن داده‌های ایلامی از هردو استان، به فرضیه همسایگی سرزمینی کوچ‌نشین با سرزمینی دارای معادن فلزی در شمال مراکز ایلامی قوت می‌بخشد. در غرب استان اصفهان نیز شواهد فلزی بسیار غنی‌ای وجود دارد، که محوطه‌های ایلامی شاخصی همچون محوطه‌های عسگران در غرب استان اصفهان قرار دارند. با توجه به فراوانی معادن نقره و طلا برای منطقه شیمشکی و فراوانی عناصر فلزی در استان اصفهان در کنار فراوانی شواهد ایلامی، طی این پژوهش پیشنهاد می‌شود تا برای مطالعه دوره ایلام به استان‌هایی مانند اصفهان، یزد و چهارمحال و بختیاری نیز باید توجه خاصی شود تا بتوان بسیاری از تاریکی‌های دوره ایلام را در مباحث تاریخی و باستان‌شناسی روشن نمود. همچنین شواهد معادن فلزی و فلزگری کهن در استان اصفهان قابل پیگردی و شناسایی هستند که تاکنون به صورت جامع بر روی این معادن از دیدگاه باستان‌شناسی و به خصوص باستان‌شناسی دوره ایلام مطالعه‌ای صورت نگرفته است.

پی‌نوشت

۱. šimaški نام دوره‌ای فرهنگی مربوط به دوره ایلام قدیم نیز بوده که پس از دوره اوان و پیش از دوره سوکل‌مخ در منابع نوشتاری ظاهر می‌شود.
۲. استان چهارمحال و بختیاری محوطه‌های کوچ‌نشینی بسیاری در دوره ایلام دارد.



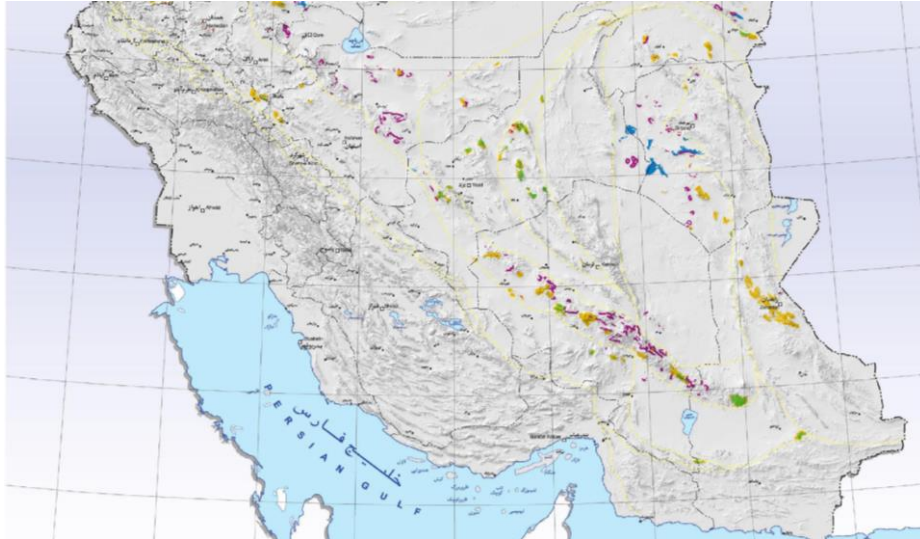
طرح جدول ۱. منتخبی از سفال‌های ایلامی مناطق مورد مطالعه در استان‌های اصفهان و چهارمحال و بختیاری



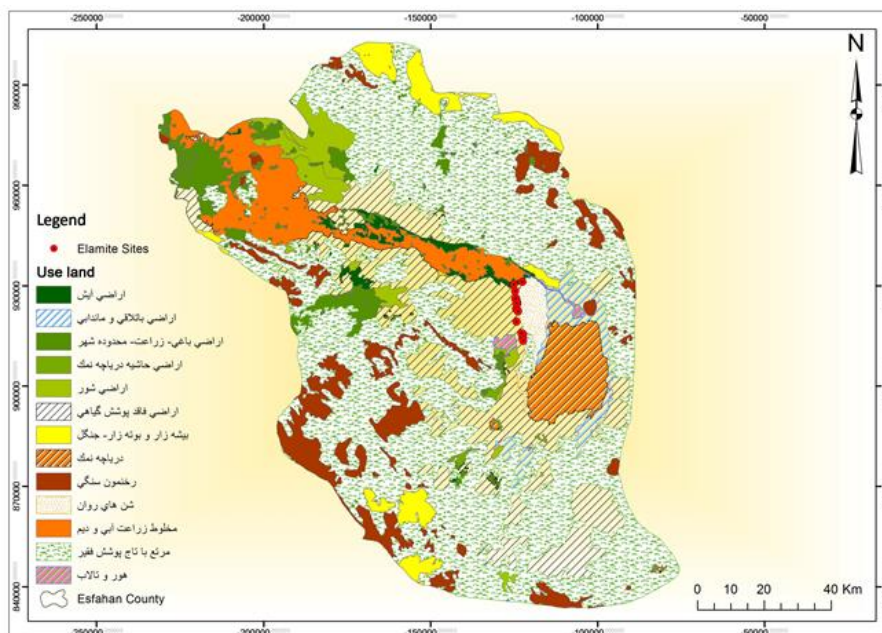
شکل ۱. موقعیت پیشنهادی برای حدود سرزمین ایلام در دوره شیمشکی و شهر زَبشلی (اسمیعیلی، نقشه ۱)

جدول ۱. توصیف سفال‌های طرح ۱

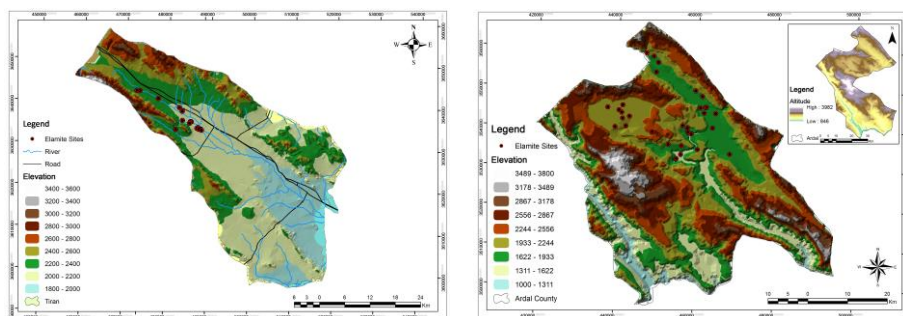
مقایسه	مشخصات	محوطه	
(Vallat, 1971, Fig.63:11) (Alizadeh, 2016, Plate168: h.)	نخودی روشن مایل به نارنجی، ماده چسباننده گیاهی و ذرات سفیدرنگ، با پوشش غلیظ نخودی بر سطح خارجی، پخت کافی، چرخ‌ساز.	Ard36	۱
	قهوه‌ای مایل به نارنجی با مغز خاکستری، ماده چسباننده ماسه، گیاهی و ذرات سفید رنگ، پخت کافی، چرخ‌ساز	Saba9	۲
	قرمز روشن با مغز خاکستری تیره، ماده چسباننده ماسه، گیاهی و ذرات سفیدرنگ، پخت کافی، چرخ‌ساز.	Saba3	۳
(Nickerson 1983:Fig.41) (de Miroschedij 1981: Fig. 38)	نارنجی مایل به قهوه‌ای با مغز سیاه‌رنگ، ماده چسباننده شن ریز، گیاهی و ماسه، چرخ‌ساز.	Ard 139	۴
(Alizadeh, 2016, Fig.36: G)	قهوه‌ای مایل به نارنجی با مغز خاکستری، ماده چسباننده ماسه، گیاهی و ذرات سفید رنگ، پخت کافی، چرخ‌ساز.	Saba3	۵
(Carter, 1996, Fig.20: 10-11) (Carter, 1978, Fig. 47:9) (de Miroschedij 1981b Fig. 44:7)	نارنجی قرمز با مغز سیاه رنگ، ماده چسباننده گیاهی و ماسه، چرخ‌ساز، تزیینات طنابی.	Asg2	۶
(Carter, 1996, Fig. 41: 14) (Carter, 1978, Fig. 47:9)	نارنجی قرمز با مغز سیاه رنگ، ماده چسباننده گیاهی و ماسه، چرخ‌ساز، تزیینات طنابی.	Asg3	۷
(Petrie, et al. 2006: Fig. 4.76) (Nickerson 1983:Fig.53) (Zeidi,et al. 2006: Fig.Fig. ۶,۲۰) (Weeks, et al. 2006:Fig.۳,۱۱۶)	نارنجی روشن با مغز خاکستری تیره، ماده چسباننده گیاهی، شن ریز و ماسه، پخت کافی، نقوش قهوه‌ای مایل به قرمز، چرخ‌ساز.	Ard95	۸
(Petrie, et al. 2005, Fig.10: Ts938) (Alizadeh, 2016, Plate88: b)	نخودی مایل به سبز، ماده چسباننده ماسه و دانه‌های سفید رنگ، پخت کافی، چرخ‌ساز.	Saba78	۹
(Carter, 1966, Fig.13: 20) (Carter, 1979, Fig.4: 2)	قهوه‌ای مایل به قرمز با مغز سیاه رنگ، ماده چسباننده ماسه و گیاهی، پخت کافی، لعاب غلیظ گلی در خارج، چرخ‌ساز.	Ard87	۱۰
(Alizadeh,2016,Fig.81: I) (Wright, 1981, Fig.87: r)	نخودی، ماده چسباننده ماسه و ذرات سنگ، پخت کافی، چرخ‌ساز.	Saba45	۱۱
(Alizadeh, 2016, Plate1: C)	نخودی با مغز سیاه‌رنگ، ماده چسباننده ماسه و مواد گیاهی، پخت کافی، نقش قرمز تیره بر سطح خارجی، چرخ‌ساز.	Saba9	۱۲



شکل ۲. معادن قلع ایران، نقاط زرد و سبز رنگ نقاط مناسب برای قلع و نقاط بنفش رنگ نقاط با پتانسیل بالا برای قلع هستند (سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور)



شکل ۳. محوطه‌های ایلامی شهر سبأ



شکل ۴. محوطه‌های ایلامی اردل استان چهارمحال و بختیاری شکل ۵. محوطه‌های ایلامی عسگران گوشه بالا سمت راست نقشه ۴. موقعیت فعلی شهرستان اردل طبق تقسیمات سیاسی جدید بوده

منابع

- اسمعیلی جلودار، محمداسماعیل، «گزارش بررسی و شناسایی باستان‌شناختی محوطه ریگ‌سرای (شهرسبا) ورزنه (باتلاق گاوخونی) اصفهان»، تهران، پژوهشکده باستان‌شناسی، ۱۳۸۶.
- اسمعیلی جلودار، محمداسماعیل، «چشم‌انداز باستان‌شناختی ساحل شرقی باتلاق گاوخونی، نامورنامه؛ مقاله‌هایی در پاسداشت یاد مسعود آذرنوش»، به کوشش حمید فهیمی و کریم علیزاده، تهران، ایران‌نگار، صص ۱۸۹-۲۰۶، ۱۳۹۱.
- اسمعیلی جلودار، محمداسماعیل؛ زهرا کامرانی و سعید ذوالقدر، «مدارکی نویافته از تولید مژه در اوایل هزاره سوم ق.م در محوطه ریگ‌سرای ورزنه (سبا)، (ساحل غربی باتلاق گاوخونی)»، *مطالعات باستان‌شناسی*، دوره هفتم، شماره ۱، صص ۱-۱۶، ۱۳۹۴.
- آمی، پیر، *تاریخ عیلام*، ترجمه شیرین بیانی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
- بدیهی، ربیع، *جغرافیای مفصل ایران*، تهران، اقبال، ۱۳۷۰.
- پرو، ژان و ژنویو دلفوس، *شوش و جنوب غربی ایران: تاریخ، باستان‌شناسی (سیر تکامل اجتماعی و فرهنگی از هزاره هفتم ق.م تا یورش مغول)*، ترجمه هاید اقبال، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۸۸.
- جبری انصاری، میرزا حسن، *تاریخ اصفهان و ری و همه جهان*، تهران، خرد، ۱۳۲۱.
- جاوری، محسن، «محوطه باستانی گورتان»، *نامه پژوهشگاه میراث فرهنگی*، دوره دوم، شماره ۶، صص ۳۵-۴۵، ۱۳۸۳.
- جمالزاده، محمدعلی، *گنج شایگان اوضاع اقتصادی ایران*، تهران، سخن، ۱۳۸۴.
- جناب، سیدعلی، *الاصفهان*، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۶.
- حصاری، مرتضی و روح‌الله یوسفی زشک، «پیدایش نهادهای پیش‌حکومتی در فلات مرکزی ایران، خان‌سالارخای آغاز ایلامی در تپه سفالین پیشوا»، *مطالعات باستان‌شناسی*، سال اول، شماره ۲، صص ۱-۲۲، ۱۳۸۸.
- خسروزاده، علیرضا، «الگوی استقرار دشت فارس از پیش از تاریخ تا دوران اسلامی» در نامورنامه؛ مقاله‌هایی در پاسداشت یاد مسعود آذرنوش، به کوشش فهیمی و علیزاده، ایران‌نگار، ۱۶۹-۱۸۸، ۱۳۹۱.
- خسروزاده، علیرضا؛ محمود حیدریان و حمید محمدی، «محوطه‌های نویافته دوره ایلام میانه در منطقه

میان‌کوه شهرستان اردل، چهارم‌حال و بختیاری»، پژوهش‌های ایران‌شناسی، سال پنجم، شماره ۱، صص ۸۱-۶۵، ۱۳۹۴.

خطیب‌شهیدی، حمید؛ محمود طاووسی؛ باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی و احمد صالحی کاخکی، *مجله ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، دوره دوم، شماره ۴۸، صص ۵۷-۲۷، ۱۳۸۶.

ذوفن، جعفر و قدرت نوروزی، *تالاب گاوخونی*، وزارت کشور، استانداری و فرمانداری اصفهان، ۱۳۸۷. رفیعی علوی، بابک، «سنجش میزان گسترش حوزه ایلام کهن ۱۶۰۰-۱۹۰۰ پیش از میلاد»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما دکتر کمال‌الدین نیکنامی، استادان مشاور دکتر هاید لاله و دکتر بهزاد مفیدی نصرآبادی، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی (منتشر نشده)، ۱۳۸۶. سعیدی‌انارکی، فریبا، *تبیین و بررسی ارتباطات منطقه‌ای و فرماندهی عصر مفرغ (۱۶۰۰-۳۰۰۰ ق.م) اصفهان بر اساس حفاری و گمانه‌زنی تپه باستانی کپنده*، پایان‌نامه دکتری باستان‌شناسی، استاد راهنما حسن طلایی، استادان مشاوره کمال‌الدین نیکنامی و محمد رحیم صراف، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران (منتشر نشده)، ۱۳۸۸.

علیزاده، عباس، شکل‌گیری حکومت عشایری و کوهستانی عیلام باستان، شهرکرد: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان چهارم‌حال و بختیاری، ۱۳۸۷.

نیکنامی، کمال‌الدین و بابک رفیعی علوی، «چرا جای‌نام شیمشکی احتمالاً نمی‌تواند در منطقه کرمان قرار داشته باشد؟»، *مطالعات باستان‌شناسی*، سال اول، شماره ۱، صص ۱۹۹-۲۱۵، ۱۳۸۸. هینتس، والتر، *داریوش و پارس‌ها*، ترجمه عبدالرحمن صدریه، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۰.

Abdi, K., «Malyan», Iran, 39: 73-98, 2001.

Alden, J.R., Trade and Politics in Proto-Elamite Iran, *Current Anthropology* 23(6): 613- 640. 1982.

Alizadeh, A., «Ancient settlement systems and cultures in the Ram hormoz plain, Southwestern Iran», Oriental Institute Publications, Chicago, 2016.

Amiet, P., «Alternance ET dualité: Essai d'interprétation de l'histoire élamite». *Akkadica* (15): 2-22, 1979.

Bazin, D. & Hübner, H., Copper deposits in Iran (No. 13-14). *Geological Survey of Iran*. 1969.

Berthoud, T., Cleuziou, S., Hurtel, L. P., Menu, M., & Volfovsky, C., «Cuivres et alliages en Iran, Afghanistan, Oman au cours des IV e et III e millénaires». *Paléorient*, 39-54, 1982.

Carter, E., «Susa: Ville Royal», In: *Paléorient*, Vol.4: 197-212, 1978.

Carter, E., «Elamit Pottery: ca 2000-1000 B.C», *Journal of Near Eastern studies* 38(2): 111-128, 1979.

Carter, E., «Notes on Archaeology and the social and economy history of Susiana», *Paleorient* 11(2): 43-48, 1985.

Carter, E., «Ceramics: VIII, the Early Bronze age in southwestern and southern Persia», *Encyclopedia Iranica* 5, edited by E. Yarshater: 294-297, Mazda Publisher, Costa Mesa, California, 1992.

Carter, E., *Excavations at Anshan (Tal-e Malyan): The Middle Elamite period, Malyan excavation reports, Universitu Museun Monographs 82, Philadelphia, 1996.*

Crawford, H. E., «The problem of tin in Mesopotamian bronzes», *World Archaeology*, 6(2), 242-247, 1974.

Dayton, J.E., "The Problem of Tin in the Ancient World", *World Archaeology* 3(1): 49-70, 1971.

de Miroschedji, P., "Le dieu élamite Napirisha." *Revue d'Assyriologie et d'archéologie orientale*, 74(2): 129-143, 1980.

De Miroschedji, P., "Prospection Archéologiques au Khuzistan en 1977". *Cahiers de la Délégation Archéologique Française en Iran (DAFI) Paris* (12): 169-192, 1981a.

De Miroschedji, P., "Fouilles du chantier Ville Royal II a Suse (1975- 1977): I. Neveaux Elamite", *Cahiers de la Délégation Archéologie Francaise en Iran (DAFI) 12*: 9-216, 1981b.

De Ryck, I., Adriaens, A., & Adams, F., "An overview of Mesopotamian bronze metallurgy during the third millennium BC". *Journal of Cultural Heritage*, 6(3), 261-268, 2005.

Gomi, M. S. T., and Sigrist, M., *The Comprehensive Catalogue of Published Ur III Tablets*, Bethesda, CDL Press, 1991.

Herzfeld, E., *The Perasian Empire studies in Geography and Ethnography of the ancient Near East*, Franz Steiner Verlag GMBH, Wiesbaden. 1968.

Hinz, W., *Persia c.2400-1800 B.C*, The Cambridge Ancient History, Revised Edition of Volumes I & II, Cambridge University Press, 1963.

Jacobsen, Th., *the Harps that once: Sumerian Poetry in Translation*, New Haven and London Press, 1987.

Kohl, P., "The Balance of trade in Southwestern Asia in the mid-third millennium B.C", *Current Anthropology* 19: 463-492, 1978.

Kupper, J.R., "Le payes Simaški", *Iraq* 31(1): 24-27. 1969.

Ladame, G., "Les ressources métallifères de l'Iran-Schweiz". *Min. Petr. Mitt.*, vol.22, pp.165-303, 1945.

Miroschedji. P., "Fouilles du chantier Ville Royale II A Susa (1975-1977)" *Cahiers de D.A.F.I. 12*, 1981.

Muhly, J. D., & Wertime, T. A. "Evidence for the sources and use of tin during the Bronze Age of the Near East: a reply to JE Dayton". *World Archaeology*, 5(1), 111-122, 1973.

Nezafati, N., Pernicka, E., & Momenzadeh, M. "Iranian ore deposits and their role in the development of the ancient cultures". *Anatolian Metal IV*, 77-90, 2008.

Nickerson, J. L., *Intrasite variability during the Kaftari Period at Tale Malyan (Anshan), Iran*. Ph. D. dissertation, Department of Anthropology, Ohio State University. 1983.

Nissen, H. J., and Zagarell, A. "Expedition to the Zagros Mountains 1975". *Proceedings of the Fourth Annual Symposium on Archaeology in Iran*. 1976.

Olmstead, A. T., *the Babylonian Empire*. *The American Journal of Semitic Languages and Literatures* 35(2): 65-100, 1919.

Overlaet, B., "A report on the 1952 and 1954-55 sounding at Tall-i-Taimuran (Fars) Iran", *Iranica Antiqua* 32: 1-51, 1997.

Petrie, C. A., Chaverdi, A. A., and Seyedin, M., "From Anshan to Dilmun and Magan: the spatial and temporal distribution of Kaftari and Kaftari-related ceramic vessels". *Iran* 43: 49-86. 2005,

Pettinato, Gil. "commercio con l'estero Della Mesopotamia meridionale nel 3. Millennio av. Cr. alla Luce delle fonti letterarie e lessicali sumeriche". *Mesopotamia*, 7, 43-166, 1972.

Potts, D.T., *The Archaeology of Elam: Formation and Transformation of an Ancient Iranian state*, Cambridge University Press, 1999.

Reiner, E., "The location of Anšan". *Revue d'Assyriologie ET d'archéologie orientale*, 67(1), 57-62, 1973.

Scheil. V. *Textes élamites-sémitiques (MDP 2)*, Paris:9,1900.

Sollberger, E., and Kupper, J.R., *Inscriptions royales Sumériennes Akkadiennes*, Paris, Les Editions du Cerf, 1971.

Steinkeller, P., "The question of Marḥaši: A contribution to the historical geography of Iran in the third millennium BC". *Zeitschrift für Assyriologie und vorderasiatische Archäologie* 72(2): 237-265, 1982.

Steinkeller, P., "On the Identity of the Toponym Lu.Su (. A)". *Journal of the American Oriental Society* 108(2): 197-202, 1988.

Steinkeller, P., "More on Lu.Su(.A)=Simaski", *NABU* 13,1990.

Steinkeller, P., "new light on Šimaški and its rulers", *Zeitschrift für Assyriologie und vorderasiatische Archäologie* 97(2): 215-232, 2007.

Stopler, M.W., "On the Dynasty of Šimaški and the early Sukkalmahs", *Zeitschrift für Assyriologie und Vorderasiatische Archäologie*, Band 72: 42-67, 1982.

Vallat, F., "Eléments de géographie élamite (Résumé)", *Paléorient* 11(2): 49-54, 1985.

Vallat, F., *La Géographie de l'Elam d'Après Quelques Textes Mesopotamies, Mesopotamie et Elam, Mesopotamian History and Environment: 11-21, Occasional Publications I*, Published by University of Ghent, 1991.

Vallat, F., *Les noms géographiques des sources suso-élamites (Vol. 11)*. Reichert, 1993.

Weeks, L. R., Alizadeh, K. and Niakan, L., *Tol-e Nurabad: In: D. T. Potts, K. Roustaei (eds.), The Mamasani Archaeological Project Stage 1: a Report on the First Two Seasons of the ICAR-University of Sydney Expedition to the Mamasani District, Fars Province, Iran, Chapter 3*, Tehran 2006.

Wright, H.T., *An Early Town on the Deh-Luran plain: Excavations at Tepe Frukhabad*, *Memoirs of the Museum of Anthropology* 13. Ann Arbor: Museum of Anthropology, University of Michigan, 1981.

Young, T.C., *Population Densities and Early Mesopotamian Urbanism*, In *Man, Settlement and Urbanism*, edited by Ucko et al., P.J. London, Gerald Duckworth and Co: 827-842, 1972.

Zadok, R., *Elamite Onomastics*, *SEL* 8: 225-237, 1991.

Zaidi, M., McCall, B. and Khosrowzadeh, A., *Survey of Dasht-e Rostam-e Yek and Dasht-e Rostam-e Do: In: D. T. Potts and K. Roustaei (ed.s), The Mamasani Archaeological Project Stage 1: a Report on the First Two Seasons of the ICAR University of Sydney Expedition. The 1st Season of Archaeological Survey of Farsan 3 to the Mamasani District, Fars Province, Iran, Chapter 5*, Tehran, 2006.